

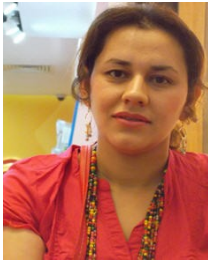


"پیر دختری"، "ازدواج سفید"

فرو ریختگی فرهنگی یا نشانهایی از جنبشی برای آزادی!

صفحه ۲

آذر ماجدی



نشنگی زنانه در ایران

صفحه ۴

شیوا گنجی



زنان پا پس نمیکنند و در صف اول مبارزه

علیه رژیم اسلامی اند!

(از ایران تا برزیل)

صفحه ۶

نوشین قادری

زنده باد اعتراض گسترده زنان
علیه حجاب و آپارتاید جنسی!

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



"پیر دختری"، "ازدواج سفید"

فرو ریختگی فرهنگی یا نشانهایی از جنبشی برای آزادی!

آذر ماجدی

زرین کمر با اسب سفید نباشند و با واقعیات زندگی سازش کنند" به ریشخند می گیرد. "حرف مردم" نیروی فشاری که دختران بسیاری را به تن دادن به ازدواج های ناخواسته مجبور می کرد، قدرت خود را از دست داده است. وجود یک زن مجرد ۳۰ ساله اگر در ۲۰-۳۰ سال پیش یک پدیده مذموم و کم سابقه بود، اکنون به یک پدیده عادی و عموماً قابل پذیرش بدل شده است. نزدیک به ۶ میلیون "پیر دختر" شاهدی است بر این واقعیت.

ازدواج سفید

اخیراً رسانه ها از شکل گیری و رشد پدیده همزیستی زن و مرد بدون ازدواج رسمی در جامعه ایران صحبت می کنند. این پدیده را ازدواج سفید می خوانند. ازدواج سفید بعلت غیرقانونی بودن و مجازات سنگین داشتن بصورت مخفی انجام می گیرد. البته در موارد نه چندان محدودی این پدیده از چشمان خانواده ها مخفی نیست، فقط از چشم حکومت پنهان است. علیرغم مخفی بودن آن و لذا عدم وجود یک آمار رسمی، این پدیده آنچنان شیوع یافته است که رسانه ها در مورد آن می نویسند و تحقیقات در مورد آن انجام می گیرد. اشتباه نشود! ازدواج سفید با ازدواج موقت یا صیغه متفاوت است. ازدواج سفید با انتخاب زن و مرد انجام می گیرد. این دو زیر یک سقف مانند همسر، اما بدون ثبت رسمی، با یکدیگر زندگی می کنند. طبق برخی گزارشات و تحقیقات در این روابط زنان از استقلال رای برخوردارند و

جامعه با موقعیت فرمال - حقوقی آنها بسیار متفاوت است. زنان در جامعه عملاً از قدرت و استقلال و آزادی عمل بسیار بیشتری از آنچه قانون و حکومت برایشان تجویز می کند، برخوردارند. تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بعلاوه وجود یک انقلاب عظیم شکست خورده که آزادی و برابری را بر لوحه خود داشت و همچنین وجود یک جنبش قوی آزادیخواهانه و کمونیستی، به شکل گیری یک جنبش عظیم توده ای آزادی زن انجامید. این جنبش موجد تحولات مهم اجتماعی و فرهنگی شد و خود در نتیجه این تحولات نیرومند تر و عمیق تر گردید.

آمار زنان مجرد را در کنار آمار افزایش طلاق، افزایش نرخ سواد، دختران دانشجو و تحصیلکرده دانشگاهی و بالاخره تولد یک پدیده اعجاب انگیز در کشوری که تحت سلطه یک حکومت اسلامی قرار داد، آنچه در ایران "ازدواج سفید" خوانده می شود، قرار دهید، تصویر کامل می شود. زن در ایران، بویژه جامعه شهری، یک زن سنتی فرمانبردار نیست. زن در ایران مدرن است، خواهان استقلال اقتصادی و استقلال رای و طالب برابری است. این زن را نمی توان در خانه و آشپزخانه کرد. این زن را ممکن است بتوان به زور شلاق، زندان و شکنجه در ظاهر مطیع نمود، اما رفتار او و از آن مهمتر ذهنیتش را نمی توان تغییر داد. برایش مهم نیست که یک دکتر جامعه شناس او را "پیر دختر" خطاب می کند. نصاب این آسیب شناس را که از دختران می خواهد "منتظر شهزاده

تینتر خبری در یکی از وب سایت های فارسی زبان توجه ام را جلب کرد: "شیوع پیر دختری در ایران، ۶-۴ میلیون پیر دختر در کشور وجود دارند!" این خبر نتیجه تحقیق یک "آسیب شناس اجتماعی" بنام "دکتر مجید ابهری" در مورد "شیوع پدیده پیر دختری" در ایران و هشدار وی به دولت، خانوادهگان و دختران در مورد عواقب این پدیده است. فاکت ها جالب توجه است. طبق این تحقیق "۱۱ میلیون دختر آماده ازدواج... و ۴ تا ۶ میلیون پیر دختر در ایران وجود دارد." از نظر این آسیب شناس این پدیده "می تواند تبعات اجتماعی بدی را برای جامعه رقم زند." ابهری "عبور دختران از سنین مطلوب ازدواج و حتی رسیدن به سن یائسگی را پیر دختری خواند." وی در ادامه اشاره می کند "این دختران به این نتیجه رسیده اند که ازدواج به درد آنها نمی خورد. ۴۰٪ دختران مجرد ایرانی به مرحله مجرد کامل رسیده اند." در واقع به قول این آسیب شناس "قید ازدواج را زده اند." او سپس به "مشکلات رفتاری، خانواده ها با دخترانشان اشاره می کند و ادامه می دهد که "تقابل روزمره، دختران را به زندگی مجردی و جدایی از خانواده سوق داده اند."

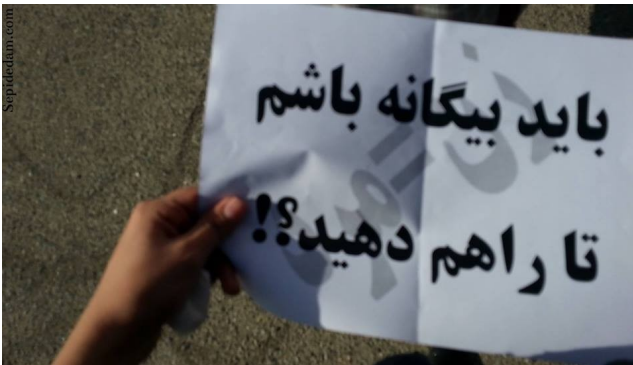
شواهد ویرانی یا مدرنیسم

اگر لحظه ای از ایدئولوژی زن ستیزانه، سنتی و مردسالارانه این آسیب شناس محترم انتزاع کنیم و به فاکت ها دقیق شویم متوجه وقوع تحولات مهم اجتماعی و فرهنگی در جامعه می شویم. این فاکت ها بیانگر تغییر موقعیت واقعی زنان در جامعه، علیرغم وجود تداوم یک حکومت عمیقاً زن ستیز، محافظه کار سنتی - مذهبی است. این فاکت ها حقیقتی را که ما بارها بر آن تاکید داشته ایم تأیید می کند، موقعیت واقعی زنان در

متحول شده است. اگر در جوامع غربی می توان نتایج و عوارض تحولات را با اتکاء به رشد اقتصادی، مدرنیسم و جنبش آزادی زن توضیح داد، جامعه ایران محققین را متعجب می سازد. بسیاری از محققین و جامعه شناسان شرق زده ملی - اسلامی این تحولات را مخرب و منفی ارزیابی می کنند و از مقولاتی چون "فروریختگی فرهنگی" برای توضیح این تغییرات استفاده می کنند. افزایش نرخ طلاق قطعی و "عاطفی" (یک پدیده جدید دیگر که بمعنای زندگی دو همسر رسمی زیر یک سقف اما بدون هیچ رابطه ای با یکدیگر است) ازدواج سفید و انتخاب تجرد بجای ازدواج را مجموعه ای از عوارض این "فروریختگی" می نامند و می کوشند دلیل اصلی این "فروریختگی" را مسائل اقتصادی بنامند.

تناقض میان ارزشها و ایدئولوژی حکومت و خواستها و ارزشهای مردم، بویژه نسل جوان، شکاف و تناقض نسلی، وجود جنبش های عظیم اجتماعی برای تغییر و برای ایجاد یک جامعه آزادتر و برابرتر، بویژه جنبش آزادی زن، جنبش خلاصی فرهنگی، سکولاریسم و ضد مذهب علل اصلی این تغییرات واقعی و آمارهای ذکر شده است. نسل جوان در ایران نمی خواهد زیر بار سنن عقب مانده مذهبی برود. می خواهد آزاد زندگی کند. خود را نه متعلق به عصر حجر که متعلق به جامعه مدرن جهانی می داند. این آمارها بار دیگر بر این حقیقتی که ما بارها بر آن تاکید گذاشته ایم، مهر تائید می زند: "رژیم اسلامی یک وصله ناجور به تن جامعه ایران است. مردم از هر فرصتی برای به زیر کشیدن آن استفاده می کنند." جنبش آزادی زن یک دشمن آشتی ناپذیر رژیم اسلامی و جنبش اسلامی است. *

۲۷ آبان ۹۲



"پیر دختری"، "ازدواج سفید"

فروریختگی فرهنگی یا نشانهایی از جنبشی برای آزادی ...

بهیچوجه نقش مطیع و درجه دوم ندارند. در حالیکه ازدواج موقت عملاً یک فحشای شرعی است که زنان را بعلت نیاز اقتصادی و بدون کمترین حقی، بدام خود می کشد.

همزیستی بدون ثبت یا ازدواج سفید اکنون در جوامع غربی به یک پدیده عادی بدل شده است. حتی در آمریکا که از نظر روابط زن و مرد محافظه کار تر است و پیش از ۱۹۷۰ این مساله غیرقانونی بود، اکنون به یک پدیده نسبتاً عادی بدل شده است. از دهه ۷۰ میلادی تا کنون تصویر زن در جوامع غربی تغییر فاحشی کرده است. جنبش آزادی زن که به انقلاب جنسی معروف شد و تغییرات عینی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، موقعیت زن را در این جوامع متحول کرد. در متن این تحول مناسبات زن و مرد نیز متحول شد. یکی از این تحولات در رشد همزیستی مرد و زن بدون ازدواج رسمی است.

جامعه ایران هم بنوعی همین تحولات را پشت سر گذاشته است. از دهه ۵۰ شمسی تاکنون موقعیت دوفاکتوی زنان بسیار

زن کشی در دنیای امروز

در قرن بیست و یک هنوز دارند زنی را بخاطر اینکه همسرش را خود انتخاب کرده است در روز روشن در شلوغی خیابان های لاهور سنگسار می کنند، دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند در افغانستان تیرباران می کنند، در ایران پدری دخترش را پس از آزاد شدن از دست اوپاشی اسلامی با چاقو سر می برد، در کردستان عراق یک نوجوان ۱۵ ساله توسط باصطلاح همسر پدوفیل ۴۵ ساله اش مثله می شود و در هند دو دختر بچه ۱۴ و ۱۵ ساله مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و حلق آویز می شوند.

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



می‌شوند".

وی می‌گوید: "فرهنگ سنتی حاکم بر جامعه ایران، زن را در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داده است. زن در خانواده در زیر سایه مردان مجبور و وادار به مصرف مواد مخدر می‌شوند. آنها مواد مخدر مصرف می‌کنند و انتظار دارند که همسرشان هم مصرف داشته باشد. کسانی هم که زیر بار نمی‌روند باید متارکه کنند و در هر دو حالت آسیب‌های روانی اجتماعی آن را هم تحمل کنند".

این فعال حقوق زنان افزود: "خانواده‌های درگیر با اعتیاد صدمات بسیاری به زنان و دختران می‌زنند و آنها را عملاً به قربانیان بالفعل اعتیاد تبدیل کرده‌اند. دولت و نهادهای حاکمیتی کم‌ترین حمایتی از زنان قربانی و یا در معرض خطر اعتیاد در خانواده نمی‌کنند".

15 سالگی آغازی برای پایان

سه هفته پیش نیز زهرا بنیانیان مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در امور زنان و خانواده از افزایش شیوع مصرف مواد مخدر در بین زنان و کاهش سن آغاز مصرف مواد مخدر در زنان به 15 تا 19 سالگی خبر داده بود. وی با تأکید به نقش خانواده در اعتیاد زنان گفت: 62 درصد از زنان معتاد متاهل به دلیل اعتیاد همسر، برادر یا یکی از اعضای خانواده خود به این دام گرفتار شده‌اند.

نشنگی زنانه در ایران

شیوا گنجی

جامعه در قبال یک فرد معتاد مسئولند.

به گفته دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر اگر این تعداد معتاد ضرب در تعداد خانواده‌ها کنیم یعنی حدود شش میلیون نفر در کشورمان به طور مستقیم درگیر پدیده مواد مخدر هستند. وی با بیان اینکه 92 درصد جامعه نگران موضوع مواد مخدرند و به عنوان یک دغدغه اصلی به آن نگاه می‌کنند گفت: از میان یک میلیون و 350 هزار معتاد کشور، 90.7 درصد را معتادان مرد و 9.3 درصد را زنان شامل می‌شوند.

افزایش دو برابری اعتیاد زنان در ایران

رحمانی فضلی با اشاره به نرخ اعتیاد در زنان گفت: در چهار سال گذشته آمار اعتیاد زنان 5.2 درصد از کل معتادان بود. اما در طول چهار سال گذشته این افزایش داشته و حدود دو برابر شده است که این موضوع با توجه به اینکه زنان از کانون‌های اصلی آموزش در خانواده هستند نگران‌کننده است. وزیر کشور اعتیاد را عامل 55 درصد طلاق‌ها در جامعه اعلام کرد و افزود: طلاق محور مهمی در جامعه است و اگر ما به دنبال کاهش آمار آن هستیم باید توجه ویژه‌ای به بحث مبارزه با مواد مخدر داشته باشیم.

من می‌کشم تو همیشه نکشی

شتاو معزی فعال حقوق زنان درباره اعتیاد زنان در ایران گفت: "زنان و دختران معتاد با توجه به وضعیت بد اقتصادی ایران، برای تأمین هزینه‌های مربوط به تهیه مواد مخدر، مجبور به تن فروشی، دزدی، فروش مواد مخدر و...

اعتیاد زنانه یا مردانه نداریم؛ ما شاهد کشمکش مداوم جامعه و دولت‌ها با پدیده‌های خانمان برانداز و همه‌گیری به نام اعتیاد به مواد مخدر هستیم. این گزارش مروری است بر تازمترین آمار اعتیاد در ایران، نقش و تأثیر اعتیاد بر زنان در ایران، کامیابی و شکست مبارزه با مصرف مواد مخدر و همچنین گفتگو با دو تن از فعالان حقوق زن.

92 درصد دلواپسی در مواجهه با آمار اعتیاد

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر، امروز جمعه 30 خرداد، پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، 30 دقیقه سخنرانی کرد و به بهانه همزمانی با روز جهانی مبارزه با مواد مخدر، آمارهای نگران‌کننده‌ای از شمار معتادان، میزان کشفيات و راهکارهای دولتی اعلام کرد.

رحمانی فضلی با اشاره به افزایش 49 درصدی تولید مواد مخدر در افغانستان در سال 2013، آمار معتادان ایران را یک میلیون و 350 هزار نفر اعلام کرد و از افزایش دو برابری اعتیاد زنان طی 4 سال گذشته خبر داد. وی با بیان اینکه براساس آمارها 5.2 درصد جمعیت بین 15 تا 64 ساله جهان سابقه یک بار مصرف مواد مخدر را دارند گفت: این یعنی حدود 240 میلیون نفر یک بار تجربه مصرف مواد مخدر را داشته‌اند که این رقم در کشور ما 2.6 درصد است و حدود یک میلیون و 350 هزار معتاد می‌شود.

وزیر کشور با بیان اینکه این رقم حدود نصف تعداد جهانی معتادان است گفت: البته همین تعداد هم برای ما غیرقابل پذیرش است. چرا که براساس اعتقادات دینی ما تمام

شیوع، سیر بیماری، پاسخ به درمان و تاثیر بر جامعه اختلاف بارز آماری با مردان دسته‌بندی می‌کند و معتقد است: "آسیب‌های اعتیاد زنان را باید به 2 دسته تقسیم کرد. آسیب اول به خود فرد و دیگری به شبکه اطراف و جامعه فرد مبتلا برمی‌گردد.

اعتیاد در زنان برای خود فرد بسیار مخرب‌تر از اعتیاد مردان است. زن مصرف‌کننده در فرهنگ ما به راحتی از خانواده و دوستانش طرد می‌شود. علاوه بر این، زنان با توجه به مشکل درآمد و توانایی برای به دست آوردن مواد مخدر از راه‌های دیگر گاهی تن به کارهای ضداخلاقی می‌دهند و به راحتی مورد استفاده سودجویان قرار می‌گیرند که مسلماً این باعث افزایش تخریب آنها می‌شود و برگشت آنها به زندگی سالم را سخت‌تر می‌کند."

شیوا گنجی،

روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان

اعتیاد در کشور داشتیم که از دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد شاهد تعطیلی آنها بودیم. انجمن‌های ان ای و تشکل‌های غیردولتی تاثیر بسیاری در کاهش آمار اعتیاد و همچنین حمایت از قربانیان آن در ایران دارد."

دکتر پونه کیمیا قلم، روان‌پزشک و درمانگر اعتیاد در گفتگویی با روزنامه سلامت در سال 1389، درباره اعتیاد زنان گفته است:

"جامعه زنان، جامعه پیچیده‌ای است. نقش‌هایی که زنان در طول زندگی خود دارند از نقش‌های مردان پیچیده‌تر و حساس‌تر و شاید مهم‌تر باشد. به همین دلیل هر عاملی که مربوط به این جامعه می‌شود، اهمیت ویژه و خاص خودش را خواهد داشت. اعتیاد هم از این امر مستثنی نیست و گرفتاری این جامعه به اعتیاد، معضلات و مشکل‌های مربوط به خود را ایجاد خواهد کرد."

وی اعتیاد در زنان از جهت علل اعتیاد،

نشگی زنانه در ایران ...

سارا محمدی دیگر فعال حقوق زنان اقدامات دولت را در افزایش آمار اعتیاد زنان موثر دانسته و می‌گوید: "دولت در سالیان اخیر مدام اعتیاد را به عنوان یک زنگ خطر و هشدار اعلام می‌کند در حالی که آمار اعتیاد و زنان معتاد در کشور با شعار بسته‌های آموزشی مناسب سنین مختلف و فضاهای اجتماعی تخیلی کاهش نمی‌یابد و از میان نمی‌رود. با افزایش آمار روزبه‌روز اعتیاد زنان مردم به این نتیجه رسیده‌اند که در میان دولت‌مردان ایران اراده‌ای برای ریشه‌کنی اعتیاد از جامعه وجود ندارد."

محمدی همچنین گفت: "ما در 12 سال اخیر ان‌جی‌او‌های فعالی در زمینه مبارزه با

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه‌های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره‌کشی از افرادی که مبادرت به تن‌فروشی میکنند.
- غیرجنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن‌فروشی میزنند. کمک به بازبانی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه‌ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه‌ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن‌فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری‌ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاه‌گرانه، ترغیب و مساعدت‌های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن‌فروش در کناره‌گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش‌های دیگر جامعه.

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



زنان پا پس نمیکشند و در صف اول مبارزه علیه رژیم اسلامی اند! (از ایران تا برزیل)

نوشین قادری

هر روز با تصویب قوانین ضد زن و شدیدتر از پیش از فرستادن اوباش و خواهران زینب به داخل خیابانها علیه حجاب تا تصویب قوانین ضد زن، نشان از عجز و ترس رژیم برای مقابله با زنان و جنبش آزادی زن است. از اینرو است که هر روز رژیم عرصه را بخود تنگ تر میکند و با توحش، بازداشت و پرونده سازی کوچکترین مطالبات آنها را سرکوب میکند. راه ندادن زنان به میادین ورزشی و گرفتن یکی از پیش پا افتاده ترین حق زنان در این مقطع زمانی که زنان اعتراضات وسیعی را انجام داده اند فقط و فقط هراس رژیم از زنان است. آنها از شهامت و شجاعت تاریخی زنان بخوبی آگاه و در هراسند. زنان هیچ توهمی نه به سبز و نه به بنفش نه به سیاه و سفید رژیم اسلامی ضد زن ندارند. زنان خوب میدانند که رژیم اسلامی نمیتواند پاسخگوی هیچیک از خواستههای انسانی و برابری طلبانه و آزادیهای آنها باشد. به همین دلیل هم هر روز حکومت جنایتکار اسلامی لایحه و قانونی را در مجلس اوباش اسلامی طرح و تصویب میکنند.

در تقابل با این اعتراضات، فاطمه آلیا با وقاحت تمام از "کار زن، شوهر داری و بچه داری است نه دیدن والیبالی مردان" سخن میگوید. تعداد دیگری از این اوباش و خواهران زینب ترهات دیگری میگویند! اما معلوم نیست خود آنها چرا خانه داری و بچه داری نمیکند و در مجلس به چه کاری مشغولند؟ لابد شوهر داری!

طلب اعلام کردند که: حکومتی که نیمی از انسان یعنی زنان را از حقوق بدیهی محروم میکند، ما در مقابل این نابرابری و تبعیض ها تا گرفتن حقوق انسانی خود ایستادگی میکنیم. زنده باد این زنان و مردان برابری طلب!

زنان برای احقاق خواستههای خود و برابری زن و مرد پا پس نکشیده اند و دائما با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی در کشمکش و تقابل بوده اند و در هفته گذشته نیز شاهد کشمکشی دیگر و ایستادگی زنان در مقابل رژیم زن ستیز اسلامی ایران بودیم. زنان هر روز نشان میدهند که علیه تبعیض و نابرابری اند! علیه آپارتاید جنسی اند! زنان نیمی از آن جامعه اند و این پیش پا افتاده ترین حق هر کسی که به ورزش علاقه دارد است که بتواند با رفتن به ورزشگاهها، بازیهای ورزشی مورد علاقه اش را تماشا کند. زنان در ایران هم حق کامل استفاده از این امکانات و ورود به استادیوم ها را باید داشته باشند. اما رژیم زن ستیز و مرتجع جمهوری اسلامی با آپارتاید جنسی و با قوانین زن ستیز در تلاش برای سرکوب خواستههای زنان است و به انحاء مختلف مقابل آزادی و مطالبات برحق زنان می ایستد. اما زنان در مقابل رژیم اسلامی ایستادگی میکنند و در تلاش مستمر برای عقب راندن جمهوری اسلامی هستند. اما دلیل ممنوعیت زنان به ورزشگاهها چیست؟ رژیم اسلامی که میدانند جنبش آزادی زن در ایران دائما در کشمکش و ستیز با قوانین مردسالارانه و متحجر و زن ستیز است،

در هفته گذشته تب و تاب مسابقات فوتبال در برزیل تا مسابقات والیبالی در ایران شور و هیجانی را در میان مردم ایران به وجود آورده بود. مردم ایران در این سالها نشان دادند که همیشه دنبال بهانه ای برای شادی و ریختن در خیابانها و پایکوبی هستند از این فرصتها هم استفاده کرده اند. بخشی از مردم، عده ای آگاهانه و عده ای ناآگاهانه، پرچم جمهوری اسلامی این نماد جرم و جنایت را در حمایت از تیم ملی ایران (فوتبال و والیبالی) بلند کردند. در این زمینه در شماره 130 نشریه آزادی زن، شهلا نوری به درست آنرا نقد کرده است. بحث من در این نوشته در رابطه با حضور زنان و اتفاقاتی در حاشیه این بازیهاست، از جمله ممنوعیت ورود زنان به استادیوم (حتی زنان خبرنگار به ورزشگاه آزادی)، و در نقطه مقابل آن اعزام تیمی از بازیگران ایران (زن و مرد) و سفیر و اوباش جمهوری اسلامی به برزیل برای دیدن بازیهای فوتبال در جام جهانی.

ابتدا به بحث ممنوعیت ورود زنان در هفته گذشته به ورزشگاه آزادی می پردازم. در جمعه گذشته زنان علاقمند به والیبالی برای دیدن مسابقات والیبالی در ایران به استادیوم آزادی رفته بودند، اما در آنجا با مامورین نیروی انتظامی مواجه شدند و ماموران نیروی انتظامی مانع ورود آنها به داخل سالن ورزشگاه شدند و تعدادی از زنان را هم دستگیر کردند. تعدادی از مردان معترض هم که به حمایت از ورود زنان به ورزشگاه با مامورین درگیر شده بودند، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. این مردان و زنان آزادیخواه و برابری

آیند و در کنار خود مردان آزادیخواه، مدرن، آگاه و برابری طلب را دارند.

باید در مقابل ارتجاع ضد زن اسلامی ایستاد. باید برای خواست آزادی و برابری زن و مرد مبارزه و اعتراض را گسترده تر کرد. باید مردان در کنار زنان از آزادیهای پایه ای متحدانه دفاع کنند. باید رژیم را وادار به عقب نشینی کرد و از دستیابی به کوچکترین مطالبات تا سرنگونی جمهوری اسلامی به اعتراض و مبارزه خود ادامه دهند.

به قول منصور حکمت، "اسلام بخشی از لنینیسم در جامعه است" و با حقوق و آزادی زن در تناقض کامل است. زنده باد آزادی زن، نه به تبعیض و نابرابری، نه به آپارتاید جنسی!



روحانی این آخوند مرتجع از سر استیصال در روابط دیپلماتیک لبخند میزند اما به مردم در ایران چنگ و دندان نشان میدهد. اعدام های گسترده تر، شکنجه، قتل، کشتار، فقر، گرسنگی، اختناق، گرفتن شادیها و آزادی انسانها را بیش از سه دهه است بر مردم تحمیل کرده اند. از یکسو از ورود زنان به داخل ورزشگاهها جلوگیری میکنند و با خشونت و دستگیری مواجه میشوند، و از سوی دیگر گروه وسیعی از زنان و دختران سفیران و ارازل و اوباش اسلامی و تعدادی بازیگران "زن و مرد" را به برزیل برای دیدن بازیهای فوتبال جام جهانی در برزیل میفرستند! اما با این مانورها نمیتوانند برای رژیم بی اعتبارشان آبرو بخرند. جمهوری اسلامی میخواهد با سرکوب زنان قدرت کنترل خودش را تشدید کند. از طریق رسانه ها و آموزش خرافه در جامعه فرهنگ مرد سالار و ضد زن را تبلیغ و ترویج میکند تا این فرهنگ هر چه بیشتر در جامعه ریشه بدواند و مردان را وسیله ای برای سرکوب زنان کند. اما غافل از اینکه زنان پا پس نمیکشند، کوتاه نمی

پور محمدی وزیر دادگستری رژیم کپک زده اسلامی در گفتگو با رسانه های داخلی از جمله خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا میگوید "حضور بانوان در برخی ورزشگاهها به تشدید ناهنجاریهای فرهنگی می انجامد و اینکه باید دید که ضوابط شرعی و دینی تا چه اندازه اجازه میدهد بانوان در ورزشگاهها حضور داشته باشند". همچنین گفته که "در هر صورت دستورات دینی قابل گذشت و انعطاف نیست و درباره حضور در ورزشگاهها نیز رعایت مسایل دینی، فرهنگی و اخلاقی مهم است". و با پررویی تمام هم اظهار نظر میکند در رابطه با هواداران زن خارجی، "آنها مشکلی از لحاظ دینی ندارند ما چرا برای آنها محدودیت ایجاد کنیم، خارجیها به ضوابطی که ما پایبندیم، پایبند نیستند و ما باید این ضوابط را رعایت کنیم". باید به این مرتجع گفت که این شما هستید که مشکل دارید. جامعه ایران اسلامی نیست و شماها هستید که حکومت متحجر اسلامی را به جامعه حفته کرده اید. شماها با همین "ضوابط دینی" مشغول دزدی های کلان و چپاولگری و گسترش فقر و اعتیاد و فحشا هستید!

برای اکثریت مردم در جامعه ایران این ضوابط و دین و شرع پیشیزی برایشان ارزش ندارد و برایشان تره هم خورد نمیکند. جامعه ایران جامعه اسلامی نیست این را هر روز نشان میدهند. چرا اگر محدودیت برای زنان خارجی وجود ندارد و آنها مشکلی از لحاظ دینی ندارند، باید وقتی وارد ایران میشوند حجاب سر کنند؟ این تناقضات جمهوری اسلامی است و نه زنان و مردم. حکومت اسلامی در صدد کنترل جامعه و زنان است. اما نمیتواند و تاکنون نتوانسته است با سرکوب زنان آنها را در پستوی خانه ها محبوس کند.

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

۵۰ میلیون آواره جنگی در سال ۲۰۱۳

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید در سال گذشته میلادی (۲۰۱۳) بیش از پنجاه میلیون نفر به خاطر جنگ یا شکنجه و آزار و اذیت در طبقه‌بندی پناهندگان قرار گرفتند یا در داخل کشورهایشان آواره شدند.

از زمان جنگ دوم جهانی، این بیشترین میزان رشد آوارگان در سطح جهان است. این رقم، همچنین شش میلیون نفر بیشتر از سال قبل از آن است.

از این تعداد، حدود هفده میلیون نفر از کشورهای خود فرار کرده‌اند و بیش از سی و سه میلیون نفر نیز در داخل کشورهایشان آواره شده‌اند.

برنامه کامپیوتری برای کمک به جلوگیری از ازدواج اجباری

دولت نروژ برای کمک به کسانی که در معرض ازدواج اجباری قرار دارند نرم افزاری قابل استفاده در گوشی های هوشمند طراحی کرده است.

این اپلیکشن که با استقبال جوانان روبرو شده به آنها کمک می‌کند تا مقامات مسئول را در جریان ازدواج اجباری خود قرار دهند

بر اساس قانون تازه‌ای که از امروز (دوشنبه، ۱۶ ژوئن) در انگلستان و ولز به اجرا در می‌آید، والدینی که فرزندانشان را مجبور به ازدواج کنند، مجرم شناخته می‌شوند.

بنا بر قانون جدید، ارتکاب چنین جرمی می‌تواند مجازاتی تا حداکثر هفت سال زندان در پی داشته باشد.

برآورد می‌شود که سالانه هزاران دختر و زن جوان در انگلستان و ولز مجبور به ازدواج می‌شوند که بیشتر آنها از کشورهای جنوب آسیا مانند پاکستان و هند آمده‌اند.

سال گذشته بیش از ۱۳۰۰ قربانی ازدواج اجباری با مسئولان دولتی تماس گرفته‌اند که از هر شش نفر، یک نفر از آنها کمتر از ۱۵ سال سن داشته است. *

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

زنده باد اعتراض

گسترده زنان علیه

حجاب و آپارتاید

جنسی!

تلویزیون

آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاکرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!